
منزلت استادان از منظر دانشجویان

دکتر علی ملک‌پور^۱

چکیده: در این پژوهش نگرشی واقع‌بینانه به منزلت استادان از منظر دانشجویان دنبال شده است. در این خصوص علاوه بر بررسی پیشینه تجربی مرتبط با موضوع پژوهش، نظریه‌های مطرح در حوزه روانشناسی اجتماعی و نقش و جایگاه گروه‌های مرجع به عنوان پشتوانه نظری تحقیق مورد استناد قرار گرفته است. پژوهش از نوع توصیفی و به شیوه پیمایشی برنامه‌ریزی و اجرا شد و جامعه آماری آن دانشجویان دوره کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی (پژوهشگری، جمعیت‌شناسی و مطالعات زنان) دانشگاه آزاد رودهن بود، که دربرگیرنده ۶۰۰ دانشجویست. از همه این دانشجویان با ابزار پرسشنامه پرس و جو به عمل آمد و از آن میان ۲۰۵ دانشجو پرسشنامه‌های قابل استخراج را به محقق مجری طرح بازپس دادند.

تفاوت نگرش‌ها و گرایش‌های دانشجویان به استادان به عنوان الگو یا گروه مرجع غالباً با بهره‌گیری از متغیر میزان اعتقاد به دانش و روش علمی استادان پدید آمده است. علاوه بر این، عواملی نظیر سن، رشته تحصیلی و معدل نیمسال‌های قبل دانشجویان، هر یک تأثیرها و پیامدهایی جامعه‌شناختی به بار آوردند که در جای خود حائز اهمیت است.

در چارچوب یافته‌های این طرح پژوهشی سلسله مراتبی از متغیرهای تأثیرگذار بر قضاوت دانشجویان در خصوص منزلت استادان به‌عنوان الگوی رفتاری و علمی و آموزش‌شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل شده است.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۲/۲ تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۵

کلیدواژه‌ها: استادان، دانشجویان، گروه‌های مرجع، منزلت اجتماعی

بیان مسئله

دانشجویان در تماس‌های روزمره علمی فرهنگی و عاطفی با استادان مختلف در دانشگاه برداشتی شخصی از آنان به دست می‌آورند که مثبت یا منفی در طول زندگی آینده آنان باقی می‌ماند و شخصیت و کنش آن‌ها به زندگی و نوع برخورد با افراد جامعه، و در سطح کوچک‌تر با افراد خانواده، همکاران، همسایگان را شکل می‌دهد. دانشگاه با آگاهی از این برداشت‌ها

۱. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، دانشکده علوم اجتماعی، رودهن، ایران. malekpoor@riau.ac.ir

می‌تواند از دامنه و چگونگی تأثیر شخصیت استادان بر دانشجویان اطلاع یابد. قضاوت دانشجویان درباره سبک و روش فکری و روحی و اخلاقی استادان در کنار کسب علم و دانش، بسیار مهم است و آگاهی مسئولان آموزشی از این قضاوت‌ها ضروری است. پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که «دانشجویان در خصوص استادان چگونه می‌اندیشند و به عنوان یکی از گروه‌های مرجع چه جایگاهی برای آنان قایل هستند؟»

در این بررسی هدف‌های زیر دنبال می‌شود:

- ورود به زوایای ذهنی دانشجویان درباره نحوه برداشت آنان از درس‌ها و استادان در طی سالهای تحصیل در دانشگاه.
- ارزیابی روش تدریس و رفتار استادان به قصد شناخت نقاط ضعف و قوت آنها
- شناخت وجهه استادان از نگاه دانشجویان به قصد حفظ و بهبود ارزش علم و علم‌آموزی در نسل جوان

اهمیت و ضرورت اجرای تحقیق

زندگی پرپیچ و خم امروز ممکن است بر حوصله و توانایی علمی و فرهنگی استادان تأثیری منفی بگذارد و احتمالاً نقش بعضی از آنها در حد رضایت و احتیاج علمی و فرهنگی و اخلاقی و شخصیتی دانشجویان نباشد. با مشخص شدن نتیجه این بررسی، و در صورت وجود چنین کمبودهایی، دانشگاه می‌تواند به کمک کارشناسان خود، برای رفع آنها چاره‌جویی کند و دانشگاه را به یک نهاد اجتماعی سالم و کارآ و مورد اعتماد دانشجویان تبدیل کند. شناخت کمبودهای احتمالی در کار تدریس و رفتار استادان و اصلاح آنها، اعتبار دانشگاه را در نسل حاضر و نسل‌های آتی محفوظ و پایدار می‌سازد.

متغیرهای تحقیق

متغیرهای مستقل و وابسته در تحقیق عبارتند از:

الف- متغیر وابسته:

گرایش دانشجویان به استادان (به عنوان گروه مرجع)

ب- متغیرهای مستقل:

متغیرهای مستقل تاثیرگذار بر کیفیت نگرش و گرایش دانشجویان کارشناسی ارشد علوم

اجتماعی به استادان به عنوان گروه مرجع یا الگو در زندگی فردی و فعالیت های علمی شامل سه دسته است، متغیرهای جمعیت شناختی، متغیرهای ناظر بر منش استادان و متغیرهای ناظر بر دانش و روش استادان.

* متغیرهای جمعیت شناختی

- ۱- جنسیت دانشجویان (و تفاوتی که این متغیر در نوع گرایش آنها به استادان ایجاد می کند)
 - ۲- سن دانشجویان
 - ۳- وضعیت تاهل گروه دانشجویان
 - ۴- رشته تحصیلی دوره کارشناسی
 - ۵- رشته (گرایش) تحصیل در دوره کارشناسی ارشد
 - ۶- سابقه حضور در دوره کارشناسی ارشد (نیمسال اول، دوم، سوم یا...)
 - ۷- میزان آشنایی با زبان خارجی
 - ۸- میزان استفاده از فناوری های نوین علمی
 - ۹- معدل نیمسال قبل دانشجویان شرکت کننده در تحقیق
- * ارزیابی دانشجویان از:**

- ۱- آراستگی (نوع پوشش و تناسب لباس با موقعیت شغلی استاد)
- ۲- جاذبه ظاهری
- ۳- جنسیت (زن یا مرد بودن)
- ۴- شأن و منزلت اجتماعی
- ۵- اخلاق فردی
- ۶- قابل اعتماد بودن
- ۷- دنیاپرستی یا معنویت گرایی
- ۸- احترام گذاشتن به عقاید دیگران
- ۹- امکان مشورت با استاد درباره امور فردی و خانوادگی

* ارزیابی دانشجویان از

- ۱- حیطه مرجع بودن (در همه امور یا صرفاً در فعالیت های علمی)

۲- تبعیت از روش علمی و آموزشی (شیوه تدریس و...)

۳- وسعت دانش تخصصی

۴- انتخاب شغل استادی توسط دانشجو در آینده

۵- توصیه دانشجو به فرزندانش برای انتخاب شغل استادی در آینده

مجموعه این متغیرها هم در مباحث نظری کم و بیش دنبال شده و هم در جای خود به تفکیک تعریف عملیاتی شده‌اند. علاوه بر این، متغیرهای مورد نظر به صورت سؤال پرسشنامه مطرح شده و درخصوص وضعیت هر یک از آنها، از گروه هدف (یعنی دانشجویان کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن) پرس و جو شده است.

تعریف و گونه‌شناسی گروه‌های مرجع

عبارت گروه مرجع را اولین بار هربرت هایمن در کتاب، آرشیوهای روانشناسی وضع کرد و در مورد گروهی به کار می‌رود که فرد وضعیت یا شرایط خود را با آن می‌سنجد (هایمن^۱، ۱۹۴۲). هایمن میان گروه عضویت^۲ که افراد واقعا به آن تعلق دارند و یک گروه مرجع که به عنوان پایه‌ای برای مقایسه به کار می‌رود تمایز قائل شد. گروه مرجع می‌تواند گروه عضویتی یا غیرعضویتی باشد.

هایمن مدعی بود که جایگاه و موقعیت ذهنی و روانی افراد مستقیماً از عواملی مانند درآمد یا تربیت آن‌ها ناشی نمی‌شود، بلکه تا حد زیادی به گروه‌های اجتماعی بستگی دارد که به عنوان چارچوب مرجع انتخاب شده‌اند (مارشال، ۱۹۸۰: ۹۸۹).

بروس کوئن در تعریف گروه مرجع می‌نویسد: «گروه مرجع گروهی است که افراد خود را با آن مقایسه می‌کنند و بر اساس استانداردها یا معیارهای رفتاری آنها به ارزیابی خود می‌پردازند.» (کوئن، ۱۳۷۰: ۱۶۳).

یک گروه یا فرد مرجع در بیان ساده فرد یا افرادی هستند که به رفتار و ارزش‌های آن‌ها توجه می‌شود. انسان تلاش می‌کند رفتارهای اجتماعی خود را با دیگران مقایسه و ارزیابی کند یا افرادی را به عنوان الگو و مبنای عمل برگزیند. به تعبیر مرتن: «این عمل، فرآیند انتخاب ارزش‌ها و استانداردهای افراد یا گروه‌های دیگر به عنوان مبنای تطبیقی رفتار قابل قبول و

1. Hyman

2. membership group

مرجع است. افرادی که در این فرآیند برگزیده می‌شود، گروه مرجع فرد نامیده می‌شوند.» (مرتن، ۱۹۶۸: ۳۶۱).

به اعتقاد اتوکلاين برگ ما غالباً شیوه عمل و رفتار خود را با اصول گروهی که به آن تعلق داریم انطباق نمی‌دهیم، بلکه قالب اعمال و رفتار ما اصول مقرر در گروهی است که آن را ماخذ قرار می‌دهیم. البته گروه‌های اخیر ممکن است همان گروه‌هایی باشند که عضو آن‌ها هستیم ولی لازم نیست همیشه چنین باشد. گروه‌های مرجع ممکن است گروه‌هایی باشند که ما آرزوی عضویت در آنها را داریم برای سنجش ارزش های خود با دیگران آن را مقیاس قرار می‌دهیم (کلاين برگ، ۱۳۴۹: ۵۲۹).

کلی^۱ این دو گروه را از هم تشخیص داده و می‌گوید نوع اول عمل ما را عملکرد هنجاری^۲ نامیده و نوع دوم را عمل تطبیقی گروه‌های مرجع می‌نامند (کلی، ۱۹۵۲: ۷۳). برای آن که با مفهوم گروه مرجع بهتر آشنا شویم لازم است به بررسی مفهوم گروه در جامعه‌شناسی بپردازیم.

گروه مترادف^۳ در زبان فرانسه است که خود از واژه ایتالیایی *Groppo* به معنای حلقه و بسته آمده است و ظاهراً به مجموعه افراد و اشیای گرد آمده در یک محل گفته می‌شود. مطالعات کلاسیک گروه مرجع را ساموئل استوفر در کتاب سرباز امریکایی پی‌گیری کرده است. در این مطالعه این مفهوم با ایده "محرومیت نسبی" پیوند خورده است. بدین معنا که افراد دیگری نظیر تاموسو شیبوتانی این مفهوم را توسعه داده‌اند. البته ریشه‌های این مفهوم در دیدگاه تعامل‌گرایی در اندیشه های چارلز هورتون کولی، جورج هربرت مید با مفهوم "دیگران مهم" مطرح شده است. لیکن بین دیگران مهم (یعنی انتظارات کل جامعه) و گروه مرجع تفاوت‌های اندکی وجود دارد گروه مرجع بیشتر در گروه‌های کوچکتر جامعه کاربرد دارد.

در زبان فارسی گروه به معنی: دسته، جمع، فرقه، جمعیت و مجموعه‌ای از اشخاص است و درباره حیوانات و اشیاء مستقر در یک محل نیز اطلاق می‌گردد. جامعه‌شناسان درباره تعریف مفهوم گروه توافق ندارند و به هر حال شاید پذیرفته‌ترین تعریف گروه را بتوان به صورت زیر ارائه کرد:

«گروه مرکب از تعدادی از انسان‌هاست که با یکدیگر روابط متقابل داشته، از عضویت خود

1. Kelley

2. Normative function

3. Groupe

در یک جمع، (که اعضای آن از یکدیگر انتظار اعمال و رفتار مشترکی دارند، آگاهند) (کوئن، ۱۳۷۳: ۱۲۹).

اکنون پس از بررسی تعریف گروه، به توضیح گروه اجتماعی می‌پردازیم. «گروه اجتماعی عبارت از تجمع دو یا عده‌ای افراد است که بیشتر به وسیله نیروی پیوند بخش (وجه تشابه) با یکدیگر ارتباط دارند و میان آن‌ها کنش متقابل اجتماعی برقرار است. انسان‌ها دائماً با یکدیگر در ارتباطند و این ارتباط به اشکال گوناگونی مانند زن و شوهر، خانواده، دوستان و... متجلی می‌شود. این ارتباطات به هر شکلی که ظاهر شود گروهی را تشکیل می‌دهد که شامل افرادی با تجربیات، وابستگی‌ها و خواسته‌های مشترک است. به زبان ساده‌تر، افراد در عین حال که فردیت خود را حفظ می‌کنند به عنوان عضو یک گروه خود را «ما» نیز می‌خوانند. مفهوم «ما» نشان می‌دهد که فرد خود را متعلق به یک گروه می‌داند (عضدانلو، ۱۳۶۸: ۵۱۵).

وقتی سخن از گروه‌های مرجع است باید در نظر داشت که برای افراد معمولاً گروه‌های مرجع متفاوتی وجود دارد که بر حسب فضا، شرایط، نوع عمل و انتخاب به آنها اتکاء می‌شود. علاوه بر این، با توجه به میزان نفوذ و منزلت اجتماعی افراد و گروه‌ها در جامعه این شش دسته گروه مرجع از هم قابل تفکیک‌اند، شامل:

- * مراجع سنتی و مذهبی^۱
- * مراجع ثروت و مالکیت^۲
- * مراجع کاریزماتیک یا کراماتی^۳
- * مراجع تکنوکراتیک (فن سالار)^۴
- * مراجع ایدئولوژیک و آیینی^۵
- * مراجع سمبولیک یا نمادین^۶

در اینجا تعریف اجمالی انواع فوق به ترتیب بیان می‌شود

الف - مراجع سنتی و مذهبی

1. Traditional & religious
2. Wondership & wealth reference
3. chariamatic reference
4. Technocratic reference
5. ideologic reference
6. symbolic reference

منظور آن دسته از گروه‌های مرجع هستند که از نفوذ اجتماعی برخوردارند و این نفوذ ناشی از ساخت‌های اجتماعی، ایده‌ها و باورهای مردم است.

ب- مراجع ثروت و مالکیت

رؤسای سنتی و اشرافی قبیله و یا گروه‌های متمول جدید به دلیل اتصال به منابع ثروت و مالکیت از اهمیت و نفوذ زیادی برخوردارند.

پ- مراجع کاریزماتیک یا کراماتی

مهم ترین ویژگی این افراد و مراجع برخورداری از برخی خصایص و نشانه‌های منحصر به فرد و معجزاتی خارق العاده است. گاهی اوقات ممکن است این مراجع در واقعیت واجد خصوصیات منحصر به فرد نباشند، اما افراد جامعه خصایص آنها را منحصر به فرد و حیرت آور می‌دانند. گاهی اوقات همین مراجع به دلیل تأثیرگذاری زیاد در مردم منبع تحولات عظیم اجتماعی و حتی انقلاب‌ها هستند.

گاه تصور می‌شود که انتساب معجزات و کرامات منحصر به مراجع و شخصیت‌های کاریزماتیک مذهبی است، ولی با درگذشت کیم جونگ ایل رهبر کمونیست کره شمالی در اولین روزهای دی ماه ۱۳۹۰ مقامات رسمی و رسانه‌های این کشور صحنه‌ای از تجمع زاغها بر سر درختی در پیونگ یانگ پایتخت این کشور مذهب‌ستیز را به مخاطبان خود نشان می‌دادند و ادعا می‌کردند که این پرندگان در سوگ «رهبر عزیز» کره شمالی همچون همه شهروندان عزاداری می‌کنند. آنها این امر را از کرامات رهبر کره شمالی می‌دانستند.

ت- مراجع تکنوکراتیک (فن سالار)

این مراجع در ساختارهای رسمی و اداری رشد پیدا می‌کنند. اقتدار و نفوذ آنها ناشی از برخی شایستگی‌ها و قابلیت‌های اجرایی و یا تخصصی مبتنی بر ملاک‌های مشخص است. معمولاً مکان فعالیت این گروه مراجع دستگاه‌های اداری دولتی و یا غیر دولتی است.

ث- مراجع ایدئولوژیک و آیینی

منظور آن گروهی از افراد یا گروه‌ها هستند که حول یک ایدئولوژی خاص گرد آمده‌اند و یا این که در بوجود آمدن یک ایدئولوژی خاص سهیم هستند. اینان معرف، سخنگو و یا مروج ایدئولوژی ویژه‌ای در سطح جامعه هستند.

ج- مراجع سمبلیک یا نمادین

این گروه از مراجع ارزش سمبلیک و نمادین دارند. معمولاً در جوامعی که رفتارها و قواعد از خصیصه‌های مدنی بیشتری برخوردار است نقش و جایگاه این مراجع برجسته می‌شود. هنرمندان و ورزشکاران نمونه بارز این دسته مراجع هستند. خوانندگان و نوازندگان اشکال دیگری از این قسم مراجع در جامعه جدیدند.

در یک جمع‌بندی از تعاریف گوناگون می‌توان گفت گروه مرجع فرد یا گروهی است که شخص برای جهت‌گیری در رفتارهای خود و ارزیابی خود معیارها و انتظارات آن گروه مرجع را به عنوان الگو و راهنما برای خود در نظر می‌گیرد و رفتارهایش را هماهنگ با انتظارات و معیارهای گروه مرجع شکل می‌دهد.

پیشینه نظری

مبنای تئوریک گروه مرجع^۱ به اندیشه‌های کولی^۲ و مخصوصاً مید^۳ برمی‌گردد. آنها از "مفهوم دیگری" سخن گفتند و عقیده دارند در بسیاری از موارد جهت تبیین و شناخت رفتار یک فرد باید به سراغ دیگری رفت چون او بدان توجه دارد. همچنین مظفر شریف^۴ در کتاب خود "روانشناسی اجتماعی" سخن از دو گروه مرجع و گروه عضویت^۵ به میان می‌آورد. در نظر این دانشمندان گروه مرجع، گروهی است که فرد خود را با آن یکی می‌داند. اندیشه‌ها و افکارش را از آن می‌گیرد و همواره درستی و یا نادرستی اندیشه و رفتارش را با معیارهای آن می‌سنجد. لزوماً گروه مرجع گروهی نیست که فرد بدان تعلق داشته باشد، اما فرد آرزوی عضویت و یا تداوم عضویت در آن را دارد. گروه مرجع دارای کارکرد هنجارگزاری^۱ است. یعنی خوب و بد رفتار و اندیشه را به افراد تابع گروه القاء و حتی تحمیل می‌کند. کارکرد دیگر گروه مرجع ارزش‌سنجی^۲ است. یعنی فرد درجات درستی و نادرستی رفتار خود و دیگران را با

1. Reference Group

2. Cooley

3. Mead

4. Sharif Muzafar

5. Remembership Group

1. Normative function

2. Evaluative function

3. Benington

معیارهای گروه موردنظر می‌سنگد. ما الگوی رفتاری خود را از کسانی دریافت می‌کنیم که احساس می‌کنیم بیشترین اقتدار را دارند و در زندگی ما، نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کنند. لزومی ندارد که اقتباس الگوی مورد نظر مستقیماً مشاهده شود. رسانه‌های گروهی به میزان قابل توجهی الگو جهت پیروی و اقتباس ارائه می‌دهند.

علاوه بر رسانه‌های گروهی گروه‌های مرجع مثل هنرمندان، ورزشکاران، سیاستمداران، استادان و شخصیت‌های تلویزیونی در ارائه الگو نقش عمده‌ای را بر عهده دارند. (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۷۹).

رابرت مرتن در آثار خود چهار فرض اساسی را برای چگونگی ارتباط و تعلق فرد با گروه‌های مرجع مطرح می‌کند که به قرار زیرند:

۱. هر چه گروه‌هایی که فرد بدانها تعلق دارد قادر باشند حیثیت بیشتری برای فرد قائل شوند، بیشتر احتمال دارد که فرد آن گروه‌ها را به عنوان گروه مرجع انتخاب کند.
۲. هرچه فرد موضع اصلی کمتری در گروه‌های تعلق خود داشته باشد، بیشتر احتمال دارد که به عنوان گروه مرجع، گروهی را انتخاب کند که به آنها تعلق ندارد.
۳. بعضی نتایج مشاهدات بر این فرضیه صحت می‌گذارد که در نظام‌های اجتماعی که نرخ تحرک اجتماعی آنها نسبتاً بالاست، انتخاب گروه‌هایی که فرد بدانها تعلق ندارد به عنوان گروه مرجع آسانتر است.

۴. خصوصیات شخصی فرد نیز در پذیرش و گرایش به گروه مرجع موثر است. تئودور نیوکامب (۱۹۴۳)، از اولین دانشمندانی است که عبارت گروه مرجع را به کار برده است.

او عبارت گروه مرجع را برای کمک به تبیین ارزش‌ها و نگرش‌های در حال تغییر دانشجویان در یک کالج لیبرال زنان به نام بنینگتون^۳ به کار برده است. بسیاری از زنانی که از خانواده‌هایی با پیشینه‌های سیاسی محافظه کارانه می‌آمدند، هرچه با دانشکده خود احساس یگانگی بیشتری می‌کردند، به طور فزاینده‌ای در طی دوره کالج، نگرش‌های لیبرال بیشتری می‌یافتند.

در این جا کالج به عنوان یک گروه مرجع مثبت تلقی می‌شود، اما ممکن است که والدین برای فرزندان کم و بیش شورشی‌شان به عنوان گروه مرجع منفی تلقی کردند.

گروه‌های مرجع به عنوان معیار ارزیابی رفتارها و باورها و منبع القا ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به فرد در چارچوب مسئله تعامل و تاثیر و تاثیر فرد و گروه قرار می‌گیرد.

عموم جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی، قائل به این اصل بنیادی درباره رابطه فرد و گروه هستند که: «نگرش و رفتار فرد تحت تاثیر گروهی که با آنان در ارتباط است شکل می‌گیرد و اعمال و احساسات جمعی وی تابع موقعیت او در سلسله مراتب گروه است.»

پیشینه تجربی

«گروه مرجع» به عنوان یک موضوع مستقل دستمایه تحقیقات زیادی قرار نگرفته است. از بررسی کتاب‌ها و منابع موجود یافتن کتابی که به طور مشخص به این موضوع پرداخته باشد، امکان پذیر نبود چرا که این موضوع به شکل فصلی در کتابهای روانشناسی اجتماعی و یا جامعه‌شناسی مطرح شده بود از این رو به جستجو در میان پژوهشها و پایان نامه‌ها روی آوردیم که حاصل این کنکاش به اختصار ارائه می‌شود.

یکی از پایان‌نامه‌هایی که درباره گروه‌های مرجع به پژوهش پرداخته پژوهش «حمیدآقا جانی افزای» است. این پژوهش در سال ۱۳۸۶ انجام شده است.

در این پژوهش محقق جایگاه معلمان را در میان گروه‌های مرجع دانش‌آموزان متوسطه شهرستان رودبار بررسی کرده است. محقق با الهام‌گیری از چارچوب نظری کنش متقابل نمادین و نظریه گروه مرجع «همین» کوشیده تا به این سوال پژوهشی پاسخ دهد که معلمان در میان گروه‌های مرجع دانش‌آموزان متوسطه چه جایگاهی دارند؟

«همین» معتقد است که افراد بیش از آن که خود را با تمایلات و تصورات شخصی خود تطبیق دهند، هنجارها و رویه‌های گروه‌های مرجع اعم از گروه‌های عضویت یا غیرعضویت را بر می‌گزینند.

«مید» نیز در بررسی گروه‌های اجتماعی از گروه‌های مرجع به عنوان گروه‌هایی نام می‌برد که در ساختن فرد نقش مهمی دارند وی معتقد است که فرد تجربه خویشتن را به طور مستقیم از نقطه نظرات خاص سایر اعضای همان گروه یا نقطه نظر تعمیم یافته گروه‌های اجتماعی که به آن تعلق دارد کسب می‌کند.

محقق برای انجام این پژوهش از روش‌های تحلیل اسنادی، مطالعه اسناد و کتاب‌ها در کتابخانه و اجرای مصاحبه عمیق به منظور گردآوری داده‌های تجربی دست اول سود جسته است. جامعه آماری این پژوهش را دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه نظری شهرستان رودبار تشکیل می‌دهند به منظور مقایسه نظرات دانش‌آموزان با برداشتهای معلمان از خودشان از ۱۵ نفر

معلم با گرایش های تحصیلی مختلف مصاحبه به عمل آمده است. مهمترین یافته های این پژوهش عبارتند از:

- اولین و مهمترین گروه مرجع دانش آموزان در زمینه های مختلف زندگی والدین آنها هستند.

- در زمینه انتخاب رشته تحصیلی معلمان، اولین گروه مرجع دانش آموزان به حساب می آیند.

- پس از گروه والدین و معلمان گروه های دوستی و سپس ورزشی و هنری به ترتیب گروه های مرجع دانش آموزان را تشکیل می دهند.

- اکثریت معلمان مورد مصاحبه معتقدند که از جایگاه مناسب و واقعی خویش برخوردار نیستند.

این پژوهش در شهرستان رودبار و در دوره زمانی پاییز ۱۳۸۵ لغایت بهار ۱۳۸۶ انجام شده است. (آقاجانی افزای، ۱۳۸۶).

یکی از طرح های پژوهشی درباره گروه های مرجع مربوط است به طرحی به نام «نقش گروه های مرجع در گرایش فرهنگی نوجوانان و جوانان در ایران» که در سال ۱۳۷۸ به انجام رسید.

پژوهشگران این طرح محسنی تبریزی، رضا عاشوری، رضا فاضل و غلامعباس توسلی هستند.

در بخشی از گزارش این طرح پژوهشی آمده است.

«برای تحقق توسعه و نهادی کردن ارزش های اسلامی در جامعه، شناخت گروه های مرجع نوجوانان و جوانان که آموزش پذیران امروز و مسؤولان فردای کشور خواهند بود، کاملاً ضرورت دارد. هیچ برنامه ریزی بدون شناخت دقیق و علمی نمی تواند بستری برای رسیدن به اهداف توسعه و ارزش های اسلامی باشد. در این راستا فرایند توسعه با دو مؤلفه برنامه ریزی و مشارکت اجتماعی در ارتباط دو سویه قرار دارد. از این رو شناخت گروه های مرجع جوانان و نوجوانان امری اساسی است.» (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۷۸).

در یکی دیگر از تحقیقات در زمینه گروه های مرجع که توسط محمد سعید ذکایی برای کمیسیون اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام شده است، گروه های مرجع نسل جوان بررسی شده است.

بر مبنای این تحقیق گروه های مرجع منبع الهام بخش برای شکل گیری نگرش ها، ارزیابی ها،

رفتار مرجع، اخذ هنجارها، اهداف الگویی برای همانند سازی و... هستند. این گروه‌ها نقش بسیار مهمی در جامعه پذیری و ایجاد هویت اجتماعی افراد دارند، ولی باید دانست که گروه‌های مرجع همواره نقش مثبت ایفا نمی‌کنند مانند گروه‌های ضد اجتماعی، گروه‌های تبهکار و تولید کننده مواد مخدر که نقش منفی و زیانباری در اجتماع دارند.

پژوهش دیگری توسط غلامرضا فضایی اخلاقی در سال ۱۳۸۳ در مشهد در زمینه گروه‌های مرجع به انجام رسیده است.

این پژوهش با هدف شناخت روش‌ها و میزان تأثیر گروه‌های مرجع بر نوجوانان و جوانان شهر مشهد انجام شد. جامعه آماری این بررسی نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله مشهد و حجم نمونه ۵۰۰ نفر بود.

نتایج نشان داد که در زمینه‌های مذهبی، ۳۲/۱ درصد پاسخگویان کسی را گروه مرجع خود نمی‌دانند ۳۲/۹ درصد آنها خانواده و ۲۳/۵ درصد روحانیون را گروه مرجع مذهبی خود می‌دانند. در زمینه سیاسی، ۱۳/۴ درصد خانواده، ۹/۵ درصد جناح چپ اصلاح طلب و دوم خرداد، ۵ درصد جناح راست و ۰/۶ درصد رهبران سیاسی خارجی را گروه مرجع خود نام بردند. در زمینه روش زندگی، ۵۵/۲ درصد پاسخگویان گروه مرجعی نداشتند. ۱۶/۷ درصد خانواده و ۱۳/۳ درصد دوست و فامیل را گروه مرجع زندگی خود می‌دانند.

در زمینه ویژگی‌های مهم گروه مرجع، ۴۳/۶ درصد از پاسخگویان ایمان، ۱۵ درصد حسن خلق را مهم‌ترین ویژگی گروه مرجع مذهبی می‌دانند. ۲۷/۳ درصد نیز فراست و ۲۰/۶ درصد فداکاری را مهم‌ترین ویژگی گروه مرجع سیاسی می‌دانند.

روش‌شناسی در پژوهش صبوری خسروشاهی که با موضوع گروه‌های مرجع جوانان تهران انجام شد برای آزمون تجربی مدل نظری تحقیق، شهر تهران به عنوان جامعه آماری انتخاب و بر مبنای فرمول کوکران تعداد ۳۹۸ نفر از افراد ۱۵ تا ۲۹ ساله تهرانی ساکن در دو منطقه ۳ و ۱۷ برگزیده شدند. گردآوری داده‌ها به شیوه پیمایشی بوده و داده‌ها از طریق مصاحبه حضوری با نوجوانان و جوانان و پاسخ به سؤال‌های پرسشنامه استاندارد شده جمع‌آوری شده‌اند. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام گرفته است (صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۰: ۴۱).

نتایج تحقیق صبوری خسروشاهی نشان می‌دهد که گروه مرجع جوانان رو به تغییر است. نهاد خانواده مانند گذشته دیگر تنها گروه مرجع نیست و نقش منحصر به فردی را در امر

جامعه‌پذیری جوانان ندارد. بسیاری از افراد، کشورهای پیشرفته را از نظر فرهنگی الگوی مناسبی می‌دانند. این امر نشان می‌دهد جهت‌گیری جوانان به ارزشهای فرهنگ خودی تغییر کرده است و در آینده ما شاهد چرخش هرچه بیشتر جوانان از الگوهای فرهنگی خودی به غیرخودی خواهیم بود. از این رو توجه به فرآیندهای جامعه‌پذیری جوانان، نقش خانواده و نهاد آموزش و پرورش در انتقال ارزش ها و الگوهای فرهنگی حائز اهمیت است. (صبوری خسرو شاهی، همان. ۴۸).

پژوهش مشابهی نیز با موضوع سنجش منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش‌آموزان در استان قم اجرا شد که یافته‌های این تحقیق حاکی است که نامناسب بودن وضعیت اقتصادی معلمان باعث کاهش منزلت اجتماعی آنان در نزد دانش‌آموزان نشده است. این امر نشان می‌دهد که فرامادیون درآمد کمتری از مادیون دارند اما به گفته اینگلههارت آنها دارای مشاغلی هستند که وجهه آن از مشاغل مادیون بیشتر است. تحقیق مزبور همچنین نشان داد بین مهارت‌های حرفه‌ای معلمان و منزلت اجتماعی آنها رابطه وجود دارد. نیز بین ویژگی‌های فردی معلمان اعم از ویژگی‌های جسمی و رفتاری آنها و منزلت اجتماعیشان رابطه معناداری وجود دارد (سام آرام و قائم‌پور ۱۳۹۰: ۸۶).

در مجموعه مباحث نظری این پژوهش یک بار دیگر نقش و جایگاه افراد و گروه‌های مرجع مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. این بحث‌ها نشان می‌دهد که اولاً در خصوص گروه مرجع تعریف واحد و جهانشمولی وجود ندارد و ثانیاً یک نوع خاص گروه مرجع نیز یافت نمی‌شود، بلکه انواعی از گروه‌های مرجع قابل طبقه‌بندی است که از جمله گروه مرجع مذهبی، ثروت و مالکیت، کارزماتیک یا کراماتی، فن سالار، آیینی و بالاخره گروه مرجع سمبولیک یا نمادین را می‌توان نام برد.

جمع‌بندی مباحث نظری و طبقه‌بندی آن نشان می‌دهد که فرد و از جمله دانشجویان هدف این پژوهش ضرورتاً به یک گروه مرجع خاص اکتفا نمی‌کنند و دارای گروه‌های مرجع متعدد هستند و در بهترین شرایط استادان ممکن است یکی از گروه‌های مرجع دانشجویان بشمار آیند.

به رغم محدودیت‌ها انتظار می‌رود که پژوهش‌ها در زمینه گروه‌های مرجع در ایران بتدریج اهمیت می‌یابد. زیرا از سویی تغییرات فرهنگی و اجتماعی و تفاوت نسل‌ها رو به گسترش است و از سوی دیگر نفوذ رو به توسعه وسایل ارتباطی جدید و گسترش فضای مجازی اهمیت و

جایگاه گروه‌های مرجع را دوچندان می‌کند و هم خانواده‌ها و هم متولیان امور تعلیم و تربیت در همه سطوح و حتی دولت‌ها به دانستن بیشتر در باب گروه‌های مرجع سخت نیازمندند.

روش تحقیق

در این بررسی به منظور بهره برداری از منابع علمی مرتبط و دسترسی و تحلیل پیشینه نظری موضوع و نیز نقد و ارزیابی پیشینه تجربی حاصل از پژوهش‌های پیشین، از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) استفاده شد. علاوه بر این برای مراجعه به: نمونه‌های منتخب (دانشجویان) از روش پیمایش مورد استفاده قرار گرفت. این روش اطلاعات مستند و تجربی برای محقق فراهم آورد و آزمون فرض‌های تحقیق را در عرصه عمل اجتماعی در میان کنشگران ممکن ساخت.

روش جمع‌آوری داده‌ها

در این تحقیق ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته است که به تناسب مباحث نظری، فرضیه‌ها و متغیرهای پژوهش طراحی و تنظیم شده است. پرسشنامه تحقیق حاضر از مجموعه پرسشنامه‌هایی که در این موضوع قبلاً مبنای جمع‌آوری اطلاعات بوده است، بهره برد و شاخص‌های آزموده شده پیشین نیز مورد استفاده قرار گرفت.

جامعه آماری و حجم نمونه

در این پژوهش جامعه آماری کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن بودند که جمعیتی معادل ۶۰۰ نفر را برمی‌گیرد. این افراد برای قضاوت و اظهارنظر در خصوص استادان و مدرسان خود از صلاحیت کارشناسی و تجربی قابل اعتمادی برخوردارند و همین امر دقت و اعتبار ارزیابی‌های ایشان را بیشتر کرده است. برخی از این افراد خود در سمت‌های معلمی، دبیری و مربیگری مشغول کار و خدمت هستند و احتمالاً قضاوت‌هایی مستند به دانش و تجربه خود ارائه کرده‌اند.

از میان این مجموعه ۶۰۰ نفری ۲۰۵ نفر به شیوه سرشماری یا تمام شماری مورد مراجعه و پرس و جو قرار گرفتند. مبنای مراجعه و پرس و جو بدین صورت بوده است که طی برگزاری کلاس‌ها در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۰ و نیز در جلسه‌های مکرر امتحانات پایان نیمسال، پرسشنامه پژوهش در میان همه اعضای جامعه آماری پژوهش توزیع گردید.

همان طوری که انتظار می‌رفت دانشجویان به سوالات پرسشنامه با رغبت پاسخ دادند و در نهایت تعداد ۲۰۵ پرسشنامه تکمیل شده، باز پس گرفته شد. این رقم حدوداً ۵۰ درصد کل جامعه آماری را در برمی‌گیرد که رقم قابل اعتمادی را برای تعمیم نتایج پرس و جو از جمعیت نمونه (n) به جامعه کل (N) را فراهم آورده است.

بدین گونه پرسشنامه های از پیش آماده شده که نقص و ابهام آنها قبلاً رفع شده بود، توزیع، تکمیل و جمع آوری گردید. اطلاعات این پرسشنامه مبنای بررسی و استنتاج ها در مراحل بعدی بوده است.

با توجه به همگنی نسبی جامعه آماری و نیز جمعیت نمونه (n و N)، به نظر می‌رسد که این تعداد از نمونه دارای اعتبار می‌باشد زیرا گروه هدف پژوهش حاضر هم از لحاظ متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، تحصیلات و رشته تحصیلی) و هم از لحاظ سطح دانش و بینش از یک خرده فرهنگ همگن و همگرا برخوردار است، بنابراین قضاوت ها و نگرش‌های آنها در چارچوب پرسش‌های پرسشنامه تحقیق قابل استخراج و تعمیم است.

پرسش‌های تحقیق

این تحقیق در پی یافتن جواب سوال‌های زیر است.

۱- کدام گروه از دختران و پسران دانشجو بیشتر به تدریس یا بیشتر به اخلاق استادان خود توجه دارند؟

۲- چه نسبتی از آنها به هر دو مقوله به یک اندازه توجه دارند و هر دو را مهم می‌دانند؟

۳- آیا این توجه‌ها نسبت به استادان زن و مرد فرق می‌کند؟

۴- چه نسبتی از استادان زن یا مرد توانسته‌اند الگوی شخصیتی برای دانشجویان باشند؟

۵- چه ویژگی‌های درسی، اخلاقی یا خصوصیات دیگر استادان در تعیین الگوی شخصیتی از طرف دانشجویان بیشتر مورد نظر بوده است؟

این پرسش‌ها هر یک دربرگیرنده یک یا دو متغیر است که سنجش وضعیت آنها و نیز کیفیت تاثیر و تاثیر این متغیرها بخشی از هدف این پژوهش می‌باشد. برای دستیابی به این هدف محقق ناگزیر از طبقه‌بندی کاربردی متغیرهاست که در ادامه آمده است.

متغیرهای پژوهش

در مجموع متغیرهای موثر در موضوع این پژوهش به سه گروه اصلی تقسیم شده‌اند که عبارتند از:

الف- متغیرهای جمعیت شناختی

ب- متغیرهای ناظر بر گرایش دانشجویان به منش (ویژگی‌های فردی) استادان

پ- متغیرهای ناظر بر گرایش دانشجویان به دانش و روش علمی استادان

برای هر یک از این سه دسته متغیرهای اصلی فهرستی از متغیرهای زیرمجموعه و شاخص‌های مربوط تدوین شد و در نهایت گویه‌های مربوط به آنها در پرسشنامه تحقیق طبقه‌بندی شدند.

اعتبار و روایی ابزار تحقیق

به منظور سنجش اعتبار ابزار تحقیق یعنی پرسشنامه‌ای که برای جمع‌آوری داده‌های مورد استفاده قرار گرفت از اعتبار صوری بهره گرفته شد و بدین منظور از شماری از مدرسان روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی پاری جستیم و نیز از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی که مخاطب یا گروه هدف طرح پژوهشی بودند.

برای سنجش روایی گویه‌های پرسشنامه نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که پس از سنجش نتیجه آزمون‌های مربوط میزان پایایی سوالهای مرتبط با منزلت اجتماعی استادان بیش از ۰/۷۸ و میزان همبستگی و پایایی سوالهای مربوط به ویژگیهای فردی و رفتاری استادان حدود ۰/۸۷ بوده است.

برای هریک از متغیرها و فرض‌های تحقیق به تناسب کمی و کیفی بودن آنها و مقیاس‌های قابل پیش‌بینی (اسمی، ترتیبی، فاصله‌ای و نسبی) تکنیک‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی مرتبط مورد استفاده قرار گرفت و فرض‌های تحقیق بر این مبنای بازبینی و ارزشیابی شد تا مشخص شود کدامیک از متغیرها در کانون تأثیرگذاری بر عوامل دخیل در تحقیق قرار دارند و کدامها تأثیر و تأثر کمتری را موجب می‌شوند.

یافته‌های تحقیق

به روال معمول، نخست جداول توصیفی و وضعیت متغیرها در مقیاس ساده‌تر بررسی شده و در پی آن آمارهای استنباطی برای سنجش روابط احتمالی متغیرها بکار گرفته شده است.

نکته مهم اینکه در خصوص تجمیع متغیرها به گونه‌ای عمل شده است که از اطاله کلام اجتناب شود تا با فهرست بلندی از جداول و نمودارها مواجه نشویم. برای این منظور چندین متغیر در یکدیگر ادغام شدند و به یک متغیر محوری تبدیل شدند که آن متغیر محوری متغیرها و شاخص‌های زیر مجموعه خود را نمایندگی می‌کند. در این راستا نخست یک متغیر

محوری با عنوان «میزان گرایش دانشجویان به استادان به عنوان الگو یا گروه مرجع» مبنای بررسی و سنجش قرار گرفت. متغیرها و شاخص های جمعیت شده برای این محور عبارتند از:

- تبعیت از روش تدریس استادان
- تلقی از شأن استادان در جامعه
- قابلیت اعتماد به استادان
- میزان الگو بودن دانشمندان
- میزان الگو بودن روحانیان و شخصیت های مذهبی
- میزان الگو بودن سیاستمداران
- میزان الگو بودن هنرمندان و هنرپیشگان
- میزان الگو بودن کارآفرینان
- میزان الگو بودن ورزشکاران

علاوه بر موارد فوق برای دستیابی به یک متغیر محوری دیگر که در برگزیده مجموعه ای از متغیرهای جمعیت شده باشد، به این شیوه عمل شده که متغیرهای زیر گزینش و ادغام شدند تا به متغیر قابل سنجشی با عنوان «میزان باور دانشجویان به دانش و روش علمی استادان» دست یابیم.

- میزان الگو بودن اخلاق استادان
 - میزان احترام استادان به عقاید دانشجویان
 - میزان مراجعه به استادان برای حل مشکلات غیردرسی
 - تمایل به رأی دادن به استادان در انتخابات احتمالی
- مهم ترین یافته های پژوهش بر مبنای طبقه بندی های پیش گفته به شرح زیر است:

تفکیک قضاوت ها بر حسب جنس

از مجموع ۲۰۲ نفر پاسخگویان نمونه گیری شده از بین دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، ۱۸۹ نفر (۹۴/۱ درصد) مرد و ۱۱۳ نفر (۵۶ درصد) زن بودند. قضاوت این دو گروه در خصوص کیفیت نگرش و گرایش به استادان به عنوان الگو یا گروه مرجع فقط اندکی متفاوت است ولی این تفاوت البته چندان کارساز نبود بلکه به هم نزدیک بوده است، یعنی میانگین قضاوت ها در بین مردان ۴۰/۹ درصد و در بین زنان ۴۰/۱

درصد بود و میانگین هر دو گروه مرد و زن معادل ۴۰/۴ درصد بوده است.
جدول شماره ۱: میزان گرایش به استادان به عنوان گروه مرجع و باور به دانش و روش علمی استادان

بر حسب جنس

جنس	میزان نگرش و گرایش به استادان به عنوان الگو یا گروه مرجع	باور اعتقاد به دانش و روش علمی استادان
جمع	۸۹	۸۹
مرد درصد از کل	۴۴/۱	۴۴/۱
میانگین	۴۰/۹۸۰۶	۲۴/۶۵۶۴
جمع	۱۱۳	۱۱۳
زن درصد از کل	۵۵/۹	۵۵/۹
میانگین	۴۰/۱۱۶۸	۲۲/۹۹۰۹
جمع	۲۰۲	۲۰۲
کل درصد از کل	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	۴۰/۴۹۷۴	۲۳/۷۲۴۷

علاوه بر این متغیر جنس بر قضاوت دانشجویان کارشناسی ارشد که گروه هدف این پژوهش بودند، در خصوص میزان اعتقاد و اعتماد به دانش و روش علمی استادان، تاثیر مشخصی داشته است، به گونه‌ای که ۸۹ نفر پاسخگو (۴۴/۱ درصد) و با میانگین ۲۴/۶۶ و ۱۱۳ نفر زن منتخب پژوهش (۵۵/۹ درصد) با میانگین ۲۲/۹ به دانش و روش علمی استادان اعتماد نشان دادند. بنابراین یافته‌ها، مردان در این زمینه خوش‌بین‌تر از زنان بودند. میانگین کل (۲۰۲ نفر) نیز برابر با ۲۳/۷۲ بوده است.

جدول شماره ۲: میزان گرایش به استادان به عنوان گروه مرجع و باور به دانش و روش علمی استادان

برحسب وضع تاهل

وضع تاهل	میزان و گرایش به استادان به عنوان گروه مرجع	باور به دانش و روش علمی استادان
جمع	۱۱۵	۱۱۵
متاهل	۵۷/۸	۵۷/۸
میانگین	۴۲/۲۴۰۰	۲۵/۰۷۱۴
جمع	۸۲	۸۲
مجرد	۴۱/۲	۴۱/۲
میانگین	۳۸/۰۳۲۸	۲۱/۸۴۹۶
جمع	۲	۲
طلاق یا فوت همسر	۱	۱
میانگین	۴۶/۰۹۰۹	۲۸
جمع	۱۹۹	۱۹۹
کل	۱۰۰	۱۰۰
میانگین	۴۰/۵۴۵۱	۲۳/۷۷۳۳

ANOVA Table

		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
میزان گرایش به استادان به عنوان گروه مرجع	Between Groups	909.420	2	454.710	10.672	.000
	Within Groups	8351.481	196	42.610		
	Total	9260.900	198			
باور به دانش و روش علمی استادان	Between Groups	532.980	2	266.490	10.544	.000
	Within Groups	4953.783	196	25.274		
	Total	5486.763	198			

نگرش ها و شاخص های جمعیت شناختی

با توجه به ویژگی های جمعیت شناختی افراد نمونه گیری شده از میان دانشجویان کارشناسی

ارشد علوم اجتماعی، ۲۸ نفر از گروه تخصصی جمعیت‌شناسی یعنی ۱۷/۰ درصد و بامیانگین ۴۱/۵، ۵۱ نفر از گروه مطالعات زنان یعنی ۳۲/۷ درصد و میانگین ۴۰/۹، از گروه پژوهش اجتماعی ۶۸ نفر یا ۴۳/۶ درصد و میانگین ۴۰/۳، گرایش خود را به استادان به عنوان گروه مرجع یا الگوی خود در زندگی فردی و فعالیت‌های علمی ابراز کردند. میانگین کل این مجموعه نیز ۴۰/۵ بوده است.

همین ترکیب جمعیتی به ترتیب با میانگین‌های ۲۴/۴، ۲۳/۵ و ۲۴/۴ و میانگین کل ۲۳/۹ بوده است. به نظر می‌رسد که در این دو ترکیب متفاوت دانشجویان گروه جمعیت‌شناسی به الگو بودن استادان خوش‌بین‌تر بودند و همین گروه به دانش و روش علمی استادان نیز گرایش مثبتی نشان داده‌اند.

واریانس یک طرفه محاسبه شده نیز نشان می‌دهد که تفاوت قضاوتها در خصوص نگرش و گرایش دانشجویان به استادان معادل ($sig=0/024$) معنی‌دار است حال آنکه تفاوت قضاوتها در خصوص متغیر محوری دیگر، یعنی میزان اعتقاد به دانش و روش علمی استادان معنی‌دار نیست ($sig=0/230$).

تفاوت در معدل، آیا تفاوت در نگرش؟

وقتی از دانشجویان در مورد معدل نیمسال قبل آنها پرس و جو به عمل آمد، پاسخ‌های آنها در سه طبقه تفکیک گردید: طبقه اول معدل کم (۱۲ تا ۱۴)، طبقه دوم معدل متوسط (۱۴ تا ۱۶) و طبقه سوم معدل زیاد (۱۶ و بالاتر).

از نظر قضاوت مثبت و گرایش به استادان به عنوان الگو یا گروه مرجع، دانشجویان با معدل متوسط خوش‌بین‌ترین بوده‌اند با میانگین ۴۱/۷.

این گروه دارای معدل متوسط (۱۴ تا ۱۶) همچنین در مورد دانش و روش علمی استادان نیز خوش‌بین‌تر از بقیه - دارندگان معدل کم و معدل زیاد - بوده‌اند و در این زمینه میانگین نگرش‌ها ۲۴/۴ بوده است.

جدول شماره ۳: میزان گرایش به استادان به عنوان گروه مرجع باور به دانش و روش علمی استادان

برحسب طبقه های معدل

طبقه های معدل	میزان گرایش به استادان به عنوان گروه مرجع	باور به دانش و روش علمی استادان
جمع	۴۱	۴۱
کم	درصد از کل	۳۶
میانگین	۳۹/۵۹۷۲	۲۳/۰۳۲۵
متوسط	درصد از کل	۲۸/۱
میانگین	۴۱/۷۸۲۰	۲۴/۴۴۴۳
زیاد	درصد از کل	۳۶
میانگین	۴۰/۵۸۲۳	۲۴/۱۲۶۰
کل	درصد از کل	۱۰۰
میانگین	۴۰/۵۶۴۸	۲۳/۸۲۲۱

ANOVA Table

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
میزان گرایش به استادان به عنوان الگو یا گروه مرجع * طبقه های معدل	<i>Between Groups (Combined)</i> 85.810	2	42.905	.768	.466
	<i>Within Groups</i> 6199.828	111	55.854		
	<i>Total</i> 6285.638	113			
باور به دانش و روش علمی استادان * طبقه های معدل	<i>Between Groups (Combined)</i> 41.735	2	20.867	.612	.544
	<i>Within Groups</i> 3785.509	111	34.104		
	<i>Total</i> 3827.244	113			

البته واریانس یک طرفه محاسبه شده تفاوت‌های مشاهده شده در این نگرش‌ها و گرایش‌ها را برحسب معدل دانشجویان معنی‌دار نشان نمی‌دهد.

واریانس یکطرفه محاسبه شده برای متغیر محوری اول (نگرش به استادان به عنوان الگو) معادل $0/466$ و واریانس یکطرفه محاسبه شده برای متغیر محوری دوم (باور به دانش و روش علمی استادان) برابر با $0/544$ بوده است.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، در خصوص نگرش دانشجویان و میزان گرایش آنها به استادان به عنوان الگو یا گروه مرجع و با در نظر داشتن متغیر جنس (زن یا مرد بودن) باید گفت که تفاوت‌ها در مجموع قضاوت‌های آنها معنادار نیست، یعنی با فرض برابری واریانس‌ها و یا بدون فرض برابری واریانس‌ها، تفاوت‌های مشاهده شده در مقیاس کلی معنادار نخواهد بود. شاخص معنی‌داری $0/375$ با فرض برابری واریانس‌ها- و $0/387$ بدون فرض برابری واریانس‌ها- حکایت از همین معناست.

اما برعکس، درخصوص میزان باور دانشجویان به دانش و روش علمی استادان تفاوت‌های مشاهده در نگرش‌ها و گرایش‌های دانشجویان معنادار است. به گونه‌ای که شاخص معناداری در این زمینه خاص با فرض برابری واریانس‌ها، معادل $0/026$ و بدون فرض برای واریانس‌ها نیز برابر $0/028$ می‌باشد.

در ادامه یافته‌های تحقیق، پاسخ‌های دریافتی از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی در خصوص شاخص‌ها و مولفه‌های مطرح شده برای سنجش نگرش و گرایش‌های آنها به استادان به عنوان الگو یا گروه مرجع و نیز باور و اعتماد آنها به دانش و روش علمی استادان، (و در هر همه موارد با در نظر داشتن متغیر جنس) به شکل مندرج در جدول زیر رتبه‌بندی شد و سپس با توجه به آماره‌های استنباطی نتایجی بدست آمد که نشان می‌دهد تفاوت میان نگرش‌ها، گرایش‌ها و به طور کلی قضاوت‌هایی که دانشجویان ابراز کرده‌اند، در نیمی از موارد معنی‌دار و در موارد کمتری البته معنادار نیست. به عنوان مثال تفاوت‌ها در نگرش‌ها و گرایش‌ها در زمینه «علاقه دانشجویان به پیشنهاد شغل استادی برای فرزندشان در آینده»، (با شاخص معناداری $0/005$ معنی‌دار است، همچنین است معناداری تفاوت‌ها در زمینه «تبعیت دانشجویان از روش تدریس استادان در آینده با شاخص معناداری $0/045$).

در ادامه مشاهده می‌شود که این تفاوت در نگرش‌ها و گرایش‌ها همچنین درخصوص موارد زیر- همچنان با در نظر داشتن تفاوت‌های جنسیتی (مرد یا زن بودن)- معنادار بوده است:

احترام استادان به عقاید دانشجویان با شاخص معناداری معادل $0/007$ ، الگو بودن دانشمندان با شاخص معناداری برابر با $0/007$ ، الگو بودن روحانیان و افراد مذهبی برای دانشجویان با شاخص معناداری $0/001$ ، الگو قرار دادن سیاستمداران با شاخص معناداری $0/007$ ، الگو بودن هنرمندان و هنرپیشگان با شاخص معناداری $0/004$ ، تحسین و ستایش دانش استادان با شاخص معناداری $0/039$

Independent Samples Test

	Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means						
	F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
								Lower	Upper
میزان گرایش به استادان Equal variance assumed	5.691	.018	.889	200	.375	.86378	.97160	-1.05211	2.77966
ن به عنوان الگو یا گروه مرجع Equal variance not assumed			.866	166.474	.387	.86378	.99687	-1.10436	2.83192
باور به دانش و روش علمی استادان Equal variance assumed	1.256	.264	2.243	200	.026	1.66551	.74245	.20148	3.12954
ن Equal variance not assumed			2.215	178.769	.028	1.66551	.75192	.18174	3.14929

در مقایسه‌ای دیگر، وقتی متغیر سن را دلیل تفاوت‌ها در نگرش و گرایش دانشجویان در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که تفاوت‌ها با در نظر داشتن این ترکیب‌های سنی، و طبق آماره محاسبه شده، حداقل در موارد زیر معنادار بوده است:

علاقه دانشجویان به انتخاب شغل استادی توسط فرزندشان در آینده، با شاخص معناداری ۰/۰۱۷ پیروی کردن از روش تدریس استادان در آینده و در صورت اشتغال دانشجو در مشاغل آموزشی، با شاخص معناداری ۰/۰۴۳. همچنین اعتماد به استادان با شاخص معناداری ۰/۰۰۱، الگو بودن اخلاق فردی استادان، با شاخص معناداری ۰/۰۱۴، احترام استادان به عقاید دانشجو با شاخص معناداری ۰/۰۴۷، مراجعه به استادان برای حل مشکلات فردی و خانوادگی با شاخص معناداری ۰/۰۵۷، الگو بودن روحانیان و افراد مذهبی، با شاخص معناداری ۰/۰۰۲، الگو بودن سیاستمداران برای دانشجویان، با شاخص معناداری ۰/۰۱۰، الگو بودن کارآفرینان، با شاخص معناداری ۰/۰۸۶، احساس امنیت دانشجویان از ناحیه استادان در امر امتحان و نمره، با شاخص معناداری ۰/۰۰۹ و بالاخره تحسین وسعت دانش استادان، با شاخص معناداری ۰/۰۱۲.

در نهایت متغیرهای محوری تحقیق که با روشی تلفیقی بازیابی شده و روابط آنها مورد بررسی قرار گرفته است، در قالب یافته‌های جدول زیر طبقه‌بندی شد که همبستگی‌های موجود میان این متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول (۴): روابط متغیرهای مورد بررسی در پژوهش

Correlations

سن	معدل نیمسال قبل	میزان گرایش به استادان به عنوان الگو یا گروه مرجع	باور به دانش و روش علمی استادان	
1	.248**	.237**	.222**	Pearson Correlation Sig. (2-tailed) سن N
.008	.001	.002	.002	
201	112	197	197	
.248**	1	.054	.151	Pearson Correlation Sig. (2-tailed) معدل نیمسال قبل N
.008	.570	.109	.109	
112	115	114	114	
.237**	.054	1	.698**	Pearson Correlation Sig. (2-tailed) میزان گرایش به استادان به عنوان الگو یا گروه مرجع N
.001	.570	.000	.000	
197	114	210	210	
.222**	.151	.698**	1	Pearson Correlation Sig. (2-tailed) باور به دانش و روش علمی استادان N
.002	.109	.000	.000	
197	114	210	210	

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

همان طور که در جدول (۴) مشاهده می شود، همبستگی میان دو متغیر سن و میزان گرایش (دانشجویان) به استادان به عنوان الگو یا گروه مرجع قابل تامل است (۰/۲۳۷) و البته این همبستگی معنادار نیز می باشد (۰/۰۰۱). از سوی دیگر، متغیر سن نیز با میزان باور دانشجویان به دانش و روش علمی استادان رابطه دارد (۰/۲۲۲) و این ارتباط هم معنادار است. همچنین است معناداری رابطه بین دو متغیر باور دانشجویان به دانش و روش علمی استادان و میزان گرایش آنها به استادان به عنوان الگو یا گروه مرجع در زندگی فردی و فعالیت های علمی (۰/۶۹۸) که البته این رابطه (با شاخص معناداری معادل ۰/۰۰۰) کاملاً معنادار است و

این بدان معناست که این ارتباط در حدی هست که تأثیر متغیرهای موردنظر قابل تأمل است و نمی تواند تصادفی و کم‌اهمیت تلقی شود.

بحث و نتیجه‌گیری

بازخوانی مسئله اصلی پژوهش ما را به این واقعیت رهنمون می‌شود که براستی دانشجویان درباره استادان خود چگونه می‌اندیشند؟ اکنون زمان آن است که به این پرسش محوری و دیگر پرسش‌های تحقیق پاسخی نظری و تجربی دهیم.

در این پژوهش تأثیر بیش از ۲۳ متغیر مستقل بر متغیر وابسته که همانا موضوع تحقیق بوده است، مورد بررسی، مطالعه و سنجش قرار گرفت. شماری از این متغیرها در هم ادغام و تلفیق شدند و در نتیجه دو متغیر محوری بدست داده شد که یکی نگرش و گرایش دانشجویان به استادان به عنوان الگو یا گروه مرجع و آن دیگر میزان باور و اعتماد دانشجویان به دانش و روش علمی استادان بود.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که غالب تفاوت‌ها در نگرش و گرایش دانشجویان به استادان به عنوان الگو یا گروه مرجع از طریق متغیر میزان اعتقاد به دانش و روش علمی ایجاد می‌شود و این تفاوت‌ها در موارد متعدد معنادار است.

به عنوان مثال متغیر اخیر رابطه‌ای در حد (۰/۶۹۸) با متغیر محوری دیگر، یعنی میزان گرایش دانشجویان به استادان به عنوان گروه مرجع دارد. جالب آنکه سن دانشجویان بر نگرش‌ها و گرایش‌های آن‌ها کاملاً موثر بوده است.

یک نتیجه جالب توجه این پژوهش واقعیتی است که نباید به سادگی از آن گذشت. اغلب دانشجویان فقط یک یا حداکثر دو استاد را از میان چندین استاد در یک نیمسال تحصیلی به عنوان الگوی خود به لحاظ فردی و هم در فعالیت‌های علمی پذیرا هستند و به استادان به طور کلی چنین نگاه و گرایشی ندارند.

حال اگر به پرسش‌های اصلی پژوهش حاضر برگردیم، می‌توانیم پاسخ‌های مستند و تجربی برای آنها عرضه کنیم. به عنوان نمونه، اینکه کدام گروه از دانشجویان مرد یا زن، گرایش بیشتری به استادان به عنوان گروه مرجع دارند، پاسخ‌های دریافتی آنها به مجموعه سؤالی که حول محور متغیر مربوط مطرح بود، حاکی از آن است که مردان خوش‌بینانه‌تر از زنان در این باب قضاوت کردند. میانگین پاسخ مردان برابر با ۴۰/۹ و ۲۴/۶ بوده است که به ترتیب در زمینه

متغیر میزان گرایش به استادان به عنوان گروه مرجع و نیز در زمینه باور به دانش و روش علمی استادان ابراز کرده‌اند، حال آنکه میانگین پاسخ‌های زنان در زمینه دو متغیر محوری فوق به ترتیب ۴۰/۱ و ۲۲/۹ بوده است.

در خصوص جنسیت (مرد یا زن بودن استادان) پاسخ‌ها حاکی از آن است که این امر لاقبل از نظر مخاطبان در این پژوهش، چندان مهم نبوده است و آنها ترجیحی بین استاد مرد یا زن قائل نبودند و احتمالاً مؤلفه‌ها و شاخص‌های دیگری برایشان مهم بوده است. برای دانشجویان مشخصه و صفاتی همچون احترام به عقایدشان از جانب استادان، تبعیت از روش تدریس استادان، قابل اعتماد بودن استادان، اخلاق فردی استادان و ویژگی‌هایی از این قبیل مهم و پرجاذبه تلقی شده‌اند.

منابع

فارسی

- آراسته‌خو. م. (۱۳۸۱). نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی- اجتماعی، تهران: چاپخش، چاپ اول
- آقاجانی افزاری. ح. (۱۳۶۸). بررسی جایگاه معلمان در میان گروه‌های مرجع دانش آموزان متوسطه شهرستان رودبار.
- اتقایی. ط. (۱۳۸۶). گروه‌های مرجع دختران دانش‌آموز دبیرستانی در شهر کرمان. نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۳۴
- باستید. ب. (۱۳۴۵). مسائل روان‌شناسی جمعی و روان‌شناسی اجتماعی، پی‌اژه، دوفرن، ترجمه علی محمد کاردان. انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی فروردین.
- حیدری. م. (۱۳۷۹). روان‌شناسی پویایی گروه، نشر مهر قائم
- روح‌الامینی. م. (۱۳۷۵). مبانی انسان‌شناسی، تهران، انتشارات عطار
- روزه، گی. (۱۳۸۰). کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ریتزر، ج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.

- سام آرام. ع و قائم پور. م. ع. (۱۳۹۰). **سنجش منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش‌آموزان**. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال سوم. شماره چهارم.
- صبوری خسروشاهی. ح. (۱۳۹۰). **بررسی گروه‌های مرجع جوانان در شهر تهران**. فصلنامه پژوهش اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، سال چهارم. شماره یازدهم.
- عضدانلو. ح. (۱۳۸۶). **آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی**، تهران، نی، چاپ دوم
- فرگاس. ج. (۱۳۷۳). **روان‌شناسی تعامل اجتماعی**، مترجم خشایار بیگی، انتشارات ایجد
- فرهنگی، ع. ا. (۱۳۷۴). **ارتباطات انسانی**، تهران: رسا، جلد اول
- قنادان. م و دیگران. (۱۳۷۵)، **جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی**، تهران: آواری نور، چاپ اول،
- کریمی. ی. (۱۳۷۵). **روان‌شناسی اجتماعی آموزش و پرورش**، ناشر: موسسه نشر میرایش، چاپ دوم
- کریمی، ی. (۱۳۷۹). **روان‌شناسی اجتماعی**، نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها، نشر ارسباران چاپ ششم، تهران
- کلاین‌برگ. ا. (۱۳۴۹). **روان‌شناسی اجتماعی**، ترجمه ع. م کاردان. انتشارات اندیشه، جلد دوم، تهران
- کوئن. ب. (۱۳۷۰). **درآمدی بر جامعه‌شناسی**، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات فرهنگ معاصر
- کوئن. ب. (۱۳۷۲). **مبانی جامعه‌شناسی**، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، چاپ سوم
- کوزر، ل. (۱۳۷۳). **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**، محسن ثلاثی، تهران، علمی، چاپ پنجم.
- گرث. ه و میلز. س. ر. **منش فرد و ساختار اجتماعی** (روان‌شناسی نهادهای اجتماعی)، ترجمه اکبر افسری.
- گی، ر. (۱۹۷۲). **جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز**، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، تبیان.

- مارشال، گ. (۱۳۵۸). فرهنگ جامعه‌شناسی. ترجمه ح- مشیرزاده. بنیاد حقوقی میزان.
- محسنیان راد. م. (۱۳۶۹). ارتباط‌شناسی (ارتباطات انسانی میان فردی، گروهی و جمعی)، تهران: نشر سروش
- محسنی تبریزی. ع و همکاران. (۱۳۷۸). نقش گروه‌های مرجع در گرایش فرهنگی نوجوانان و جوانان در ایران. گزارش طرح پژوهشی سازمان ملی جوانان.
- مورتون. د. گرافس روبرت م. (۱۳۷۴). نظریه‌ها در روانشناسی اجتماعی، ترجمه مرتضی کتبی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- وثوقی. م. (۱۳۸۵). مبانی جامعه‌شناسی، انتشارات پیام نور.

انگلیسی

- **The American Soldier, Samuel Stouffer, (1949). In R.K. Merton and P.F Lazarfeld, eds., Continuiities in Social Research: Studies in the Scope and Method of the American Soldier, 1950**
- **(Crothers, 1987:205) Crothers (1987). Robert Morton, New York. Tavistock pub.**
- **Meton, R.k. (1957), Social Theory and social structure, New York, The free press.**
- **Kelley, H.H Two functions of Refrence Groups. In Swanson, New comb and Hartley(eds), Reaaing in Social Psychology. Rev. ed 1952**
- **Hyman, H.H: 1980/1942, The psychology of stutus (New york Time Company)**
- **Bar- Tal, D. (1982). The effect of teacher's behavior on pupils' attribution: A review In C.Antaki & C. Breisin (Eds). Attributions and psychology of knowledge. Combridge: Cambridge University Press.**